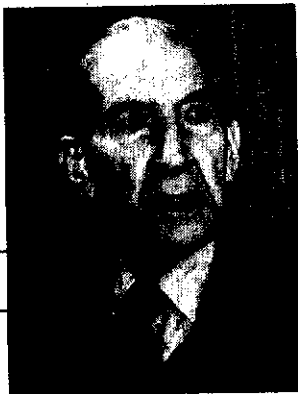


# علامه سید محمد فرزانه

## استاد بزرگ ادب

دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی



□ علامه سید محمد فرزانه، یکی از استادان بزرگ و کم‌نظیر در زبان و ادبیات فارسی و عربی، و از نقادان آثار و نوشته‌های سلف و معاصر خود بود. من نخستین بار در سال ۱۳۳۱ شمسی که فرزانه از بیرجند به تهران انتقال یافت، همراه برادرم محمدسعید جلالی که چند سال دادستان و رییس دادگستری بیرجند بود و بعدها در سمت ریاست دادگستری اصفهان و مستشاری دیوان عالی کشور خدمات قضایی خود را ادامه داد و با علامه‌ی فرزانه بسیار نزدیک بود و از محضر فیض اثرش مستفیض و مستفید گردیده بود، خدمت استاد فرزانه رسیدم و در مدت کوتاهی عنایت خاص به من پیدا کرد و حتا مرا جزو خانواده‌ی خود محسوب می‌داشت و گاه و بی‌گاه به حضورش می‌رسیدم و تلمذ می‌کردم و ساعات‌ها در محضرش می‌نشستم و از خرمن فضل و دانش و ادبش بهره‌برمی‌گرفتم.

او غالباً نتیجه‌ی ملاقات‌ها و بحث‌ها و مذاکراتی را که با شاگردان و دانشمندان مختلف پیرامون مسایل ادبی به‌عمل آورده بود، به من می‌فرمود و نظراتش را بیان می‌کرد و خواهش را که بر کتاب‌ها نگاشته بود، از نظرم می‌گذرانید و میل داشت نسبت به نظراتش غور و فحص و بحث شود.

غالباً قسمت‌هایی از کتاب مورد نظر خود را به من می‌داد تا عباراتش را بخوانم و گوش فرا می‌داد و اگر در خواندن عبارتی احیاناً غفلتی روی می‌داد، بی‌آن‌که سخنی به میان آورد، با وارستگی مخصوص به خودش می‌فرمود: این جمله را دوباره بخوانید، و من متوجه می‌شدم که عیبی در خواندن عبارت رخ داده است و آن را با دقت مرتفع می‌کردم. اگر او عبارت را نیک نشنیده بود و غفلتی رخ نداده بود، با مهربانی تمام پوزش می‌خواست و من مسحور این اخلاق حسنه و بزرگواری می‌شدم. من کم‌تر مربی و معلم و استادی را به تواضع و دلسوزی و وسعت علم و فضل فرزانه در رشته‌ی ادب فارسی و عربی و معارف اسلامی دیدم و شاید در قرن حاضر از این حیث در بین ارباب علم کم‌نظیر بود.

سید محمد فرزانه به سال ۱۳۱۲ هجری قمری (= ۱۲۷۳ شمسی) در قریه‌ی سننداران واقع شده در هشت فرسخی بیرجند به دنیا آمد و ساعت ده بعدازظهر روز یک‌شنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۳۹ هجری شمسی (= پنجم صفر سال ۱۳۹۰ قمری) از این دنیا چشم فروبست و به سرای باقی شتافت.

اهالی قریه‌ی سننداران را در دوره‌ی ایران اسلامی، چند خانواده‌ی علوی تشکیل می‌دادند و غالباً مردمانی دیندار و زیرک و بااستعداد بودند و با فقر و تنگدستی زندگی می‌کردند.

نام پدر فرزانه، سید علی اکبر و نام مادرش بی‌بی بزرگ بود. سید علی‌اکبر در میان اهالی قریه‌ی سننداران به امانت و تقوا و دیانت معروف و موصوف بود و به خرید و فروش قالی می‌پرداخت. او از بی‌بی بزرگ، همسر خویش، صاحب سه فرزند شد: یکی سیدمحمد و دودیکر سیدحسن و سه‌دیگر بی‌بی فاطمه. سیدمحمد، فرزند اول (ارشد) و سیدحسن فرزند دوم و بی‌بی فاطمه فرزند سوم بود.

هنوز ده بهار از عمر سیدمحمد نگذشته بود که پدرش در چهل و دو سالگی که به زیارت عتبات رفته بود، در کربلا بیمار شد و درگذشت. بی‌بی بزرگ با از دست‌دادن شوی خود و سرپرست خانواده با دشواری و مسؤولیت سنگینی روبه‌رو شد، اما با کاردانی و روشنفکری توانست فرزندان خود را در مسیری قرار دهد که هر یک در حیات خویش مصدر خدمات مهمی در بسط ادب و فرهنگ ایران به‌شمار آیند.

بی‌بی بزرگ پس از وفات سید علی‌اکبر، در حدود چهار سال در سننداران همچنان اقامت داشت و در امر آموزش و پرورش و اعاشه‌ی فرزندان سخت کوشید.

سیدمحمد و سیدحسن در سننداران هم‌چون سایر نوباوگان و کودکان قریه به مکتب می‌رفتند و خواندن و نوشتن را آموختند و در ساعاتی که در خانه بودند، به مادرشان کمک می‌کردند و گاهی به قالی‌باقی مشغول می‌شدند، زیرا یکی از ممرهای اعاشه‌ی اهالی

سندادان قالی بافی بود که بچه‌ها از مادر و پدر این صنعت را فرا می‌گرفتند.

چون سیدمحمد چهارده ساله و سیدحسن دوازده ساله شدند و دوره‌ی دروس مکتب را در سندادان تمام کردند، بی‌بی بزرگ در سال ۱۳۲۷ هجری قمری از سندادان با سه فرزندش به شهر بیرجند رفت تا وسایل ادامه‌ی تحصیل دو پسر و یک دختر خود را فراهم سازد. در ذی‌الحجه‌ی سال ۱۳۲۶ قمری، امیر شوکت‌الملک، امیر قایانات، سیستان و بلوچستان، در شهر بیرجند به منظور آشنایی نسل جوان، به تأسیس مدرسه‌ی جدیدی به نام مدرسه‌ی شوکتیه پرداخت و برای پیشرفت این منظور مقدس، از دو دانشمند بزرگ، یکی شیخ احمد سلیمانی نراقی و دو دیگر میرزا احمد مدیر نراقی که قبلاً با فرهنگی معروف میرزا حسن رشدیه در تهران همکاری و هم‌پاری داشتند، دعوت کرد و آن دو بزرگوار دعوت او را اجابت فرمودند و به بیرجند رفتند و در مدرسه‌ی نوبیاد شوکتیه به تدریس و تعلیم علوم جدید و قدیم پرداختند.

تأسیس این مدرسه در چنین تاریخی، یعنی نزدیک یک‌صد قبل، آن هم در شهر مذهبی بیرجند که کم‌تر از ده هزار سکنه داشت، جز با نفوذ معنوی و قدرت شخصی سیاسی و نیک‌اعتقادی مؤسس آن امکان‌پذیر نبود، و چون نیتش پاک بود، توانست نظر جمع بسیاری از اهالی بیرجند و برخی قصبات و روستاهای قایانات و خراسان و سیستان و بلوچستان را جلب کند.

بی‌بی بزرگ، یکی از پیشتازان قریه‌ی سندادان بود که فرزندان بیرجند آورد تا در آن‌جا به تحصیل بپردازند.

مجموع شاگردان هر دو کلاس مدرسه‌ی شوکتیه در سال تأسیس، ۴۳ تن و تقریباً یک‌سوم این عده از نزدیکان خانواده‌ی علم بودند. عده‌ی شاگردان کلاس دوم ۱۶ تن و پایه‌ی سواد فارسی شاگردان در حدی بود که میرزا احمد مدیر نراقی، گلستان سعدی را با شرح و تفسیر تدریس می‌فرمود و شاگردان نیک می‌فهمیدند. دروس دیگر کلاس عبارت بود از صرف و نحو (دستور زبان عربی) و قرآن کریم و شرعیات و حساب و هندسه و طبیعیات و جغرافیا و تاریخ و زبان فرانسه و انگلیسی. بیش‌تر این دروس را همان دو استاد به شاگردان خویش می‌آموختند.

حسن اداره‌ی مدرسه‌ی مذکور و پیشرفت شاگردان در امر تحصیل در عرض یک‌سال، موجب شد که از عدم رغبت اهالی در سپردن فرزندان خود به مدرسه‌ی شوکتیه به میزان قابل توجهی کاسته شود و در نتیجه در سال دوم تأسیس مدرسه، عده‌ی بیش‌تری برای نام‌نویسی اطفال خود تمایل نشان دادند.

نقش حاج شیخ محمدهادی مجتهد، جهان‌شناس و آشنا به اوضاع و احوال عصر جدید که امیر قایانات بیش از همه با آن بزرگوار مشورت می‌کرد و پسر خود را هم به مدرسه سپرده بود، در اقبال سکنه‌ی شهر بیرجند مؤثر واقع شد و از این رو نه‌تنها مردم شهر به نسبت قابل توجهی به سپردن اطفال خویش به مدرسه‌ی جدید متمایل شدند، بلکه برخی اشخاص مطلع دهات دور و نزدیک بیرجند نیز آمادگی پیدا کردند تا نوباوگان خویش را به مدرسه بسپارند.

بی‌بی بزرگ در سال ۱۳۲۷ هجری قمری از سندادان با سه فرزند خود به شهر بیرجند رفت تا وسایل ادامه‌ی تحصیل دو پسر و یک دختر خود را فراهم سازد. او به دو روحانی شهر (حاج شیخ محمدباقر و حاج شیخ محمدهادی) مراجعه کرد که تکلیف من در امر تحصیل دو فرزندم چیست؟ هر دو روحانی روشنفکر، به بی‌بی بزرگ فرمودند: یکی از دو برادر را به مدرسه‌ی جدید و دو دیگر را به مدرسه‌ی قدیم بسپارد و به‌خصوص شیخ هادی گفته بود که من مدرسه‌ی شوکتیه را تجویز می‌کنم و به همین دلیل پسر خودم را هم فرستاده‌ام و شما از بابت تحصیل یکی از دو فرزندتان در آن مدرسه نگران نباشید. شیخ محمدباقر هم با تحصیل خردسالان و میان‌سالان در مدرسه‌ی شوکتیه مخالفتی نداشت و موافقت فرمود که یکی از دو برادر - سیدمحمد یا سیدحسن - در مدرسه‌ی شوکتیه نام‌نویسی کند و به تحصیل بپردازد.

شیخ محمدباقر چون بی‌بی بزرگ را با سیدین سندین در محضر خود دید، فرمود: خاطره‌ی ورود مادر سید رضی و سید مرتضی بر شیخ مفید تجدید شده است، و توید داد که در آینده هر دو برادر از دانشمندان طراز اول کشور ایران خواهند شد و چنان‌که می‌دانیم سیدمحمد فرزنان در عالم زبان و ادب فارسی و عربی و حدیث و تفسیر و معارف اسلامی یگانه‌ی عصر خود، و سیدحسن یعنی آیت‌الله تهامی در فقه و اصول و علوم ادبی و عربی و حدیث و بلاغت، مجتهد شد.

باری در سال ۱۳۲۷ قمری، سیدمحمد در مدرسه‌ی شوکتیه نام‌نویسی کرد و سیدحسن در مدرسه‌ی معصومیه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت.

سیدمحمد چون قبلاً در قریه‌ی سندادان خواندن و نوشتن و قرآن را نیک فرا گرفته بود، از این رو به کلاس دوم رفت، ولی حساب و هندسه و جغرافیا و تاریخ و علوم طبیعی نمی‌دانست، زیرا در مکتب به او درس نداده بودند.

او در سه ماهه‌ی اول سال، خود را به پایه‌ی سایر شاگردان در این دروس رسانید و استعداد سرشار و قوه‌ی فهم و ادراکش در مدت کوتاه توجه خاص میرزا احمد مدیر نراقی و شیخ احمد سلیمانی نراقی را به خود جلب نمود و با مبصر کلاس که در حدود سه سال مقدمات عربی را در مدرسه‌ی قدیم یاد گرفته بود، رقابت می‌کرد و حتا از او پیشی گرفت و در سال سوم و چهارم و پنجم و ششم درخشان‌ترین شاگرد مدرسه‌ی شوکتیه شناخته شد و با معلمان خود به بحث و تحقیق می‌پرداخت.

در هیجده سالگی دوره‌ی مدرسه‌ی شوکتیه را تمام کرد. هم‌زمان با اتمام دوره‌ی مدرسه‌ی شوکتیه، برادرش سیدحسن به‌منظور ادامه‌ی تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمود و در حدود چهارده سال در محضر علمای طراز اول از قبیل مرحوم میرزا حسین نائینی و شریعت اصفهانی و آقا ضیاء عراقی (= اراکی) که از مراجع طراز اول بودند، تلمذ نمود و به درجه‌ی اجتهاد رسید و پس از کسب اجازه از مراجع عالی از نجف، نخست به کرمانشاه و سپس به مشهد مقدس رفت و مدتی کوتاه در مشهد توقف فرمود تا در سال ۱۳۰۷ شمسی که سید فرزنان در انتخابات مجلس شورای ملی از زابل به



مشهد رانده شد، با هم از مشهد به بیرجند آمدند و مورد بزرگداشت امیر شوکت‌الملک و استقبال اهالی بیرجند و قاینات واقع شدند.

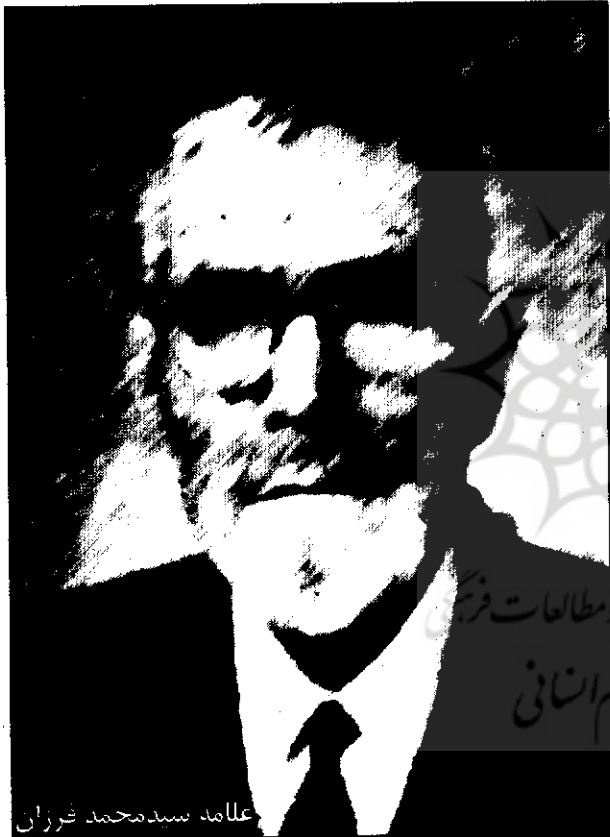
سیدمحمد فرزنان چون دوره‌ی مدرسه‌ی شوکتیه را تمام کرد، هیجده سال از عمرش می‌گذشت. او در این وقت جوانی فاضل و ادیب بود. دیگر در بیرجند وسیله‌ی برای ادامه‌ی تحصیل نبود. با این حال هر روز به کتابخانه‌ی مدرسه مراجعه می‌کرد و مجلات المقتبس و المقتطف و المنار و الهلال و غیر آن‌ها را مطالعه می‌رد. در این میان مادرش عازم گذاردن حج بیت‌الله شد و با کاروانی که حاج سید علی‌آقا مجتهد سندادانی در رأس آن قرار داشت، به اتفاق سیدمحمد از راه روسیه و ترکیه و لبنان و شام به سوی مکه‌ی معظمه و مدینه‌ی طیبه روی نهاد و این سفر سیزده ماه طول کشید. در بازگشت از مکه و مدینه، چون به حلب رسید، مادرش وفات یافت و پس از آن به بیروت آمد و مدت کوتاهی در بیروت توقف کرد تا با کشتی به سوی ایران حرکت کند. در روزهایی که در بیروت به سر می‌برد، کتابخانه‌های آن شهر را بازدید نمود و مجلداتی چند از کتب جدید خریداری کرد و با خود به ایران آورد. با ورود به ایران با دختر آیت‌الله حاج سید علی‌آقا که در سفر مکه در خدمتش بود، ازدواج نمود و از این ازدواج یک دختر عالمه به نام رخشنده‌خانم پیدا کرد.

شادروان علامه فرزنان به این جانب فرمود که مادرم بسیار دیندار و دین‌باور بود و مرا همیشه به رعایت فرایض مذهبی تشویق و ترغیب می‌فرمود، ولی در مدرسه وقتی فرضیه‌های علمای طبیعی را در پیدایی عالم و عالمیان خواندم، خطرهای در من پیدا شد و حتا هنگامی هم که به حج رفتم، خطرهای من زایل نشده بود. البته زیارت حرمین شرفین اثر بسیاری در من داشت، ولی باز در دل خطرناک داشتم و برای رسیدن به قطع و یقین تصمیم گرفتم زبان عربی را چنان بیاموزم که بتوانم معنی آیات قرآن مجید و احادیث نبوی را به خوبی دریابم. از این رو پنج سال تمام شب و روز به تحصیل و تکمیل زبان و ادب عرب همت گماردم و تفاسیر مختلف و احادیث و اخبار نبوی را مطالعه و تحقیق کردم و ضمناً عریضه‌ی بی حضرت امام رضا (ع) در مشهد نوشتم و مروض داشتم که مرا سه مشکل است: شک و فتق و فقر و از آن حضرت خواستم که شک و فتق و فقر مرا مرتفع سازد و اگر شک از بین برود، خودبه‌خود دو مشکل دیگر حل خواهد شد و دیری نپایید که شک به یقین مبدل گردید و فقر از بین رفت و فتق بی‌عمل جراحی زائل شد و حقانیت دین اسلام را از راه تحقیق و مجاهده دریافتم و ایمانم به مبادی و احکام و اصول مذهب مقدس اسلام تکمیل گردید و یقین حاصل کردم، به عبارت دیگر مسلمانی را از مادر ارث نبردم، بلکه از طریق تحقیق و مجاهده مسلمان شدم.

او در مشهد در حلقه‌ی درس ادیب نیشابوری حضور می‌یافت و چون مبتلا به فتق بود، نمی‌توانست دو زانو در حضور استاد بنشیند، لذا هر روز تمام ساعات درس را در پای صغیه‌ی که ادیب نیشابوری تدریس می‌فرمود، روی پا می‌ایستاد و به سخنانش گوش فرا می‌داد. علامه فرزنان گفت: من مطالبی را که مرحوم ادیب نیشابوری تدریس می‌فرمود، نیک می‌دانستم و نیازی به درس او نداشتم، اما

می‌خواستم از طرز بیان و شیوه‌ی سخنوری وی استفاده کنم و از این رو به حلقه‌ی درس حاضر می‌شدم.

در سال ۱۲۹۷ شمسی، سید از مشهد به بیرجند رفت. در همین سال، تنی چند از روشن‌دلان سیستان و بلوچستان از امیر شوکت‌الملک علم تقاضا کردند همان گونه که در بیرجند به تأسیس مدرسه‌ی جدید پرداخته، در زابل و سیستان نیز اقدام فرمایند. شادروان علم که خود آماده‌ی گسترش دامنه‌ی فرهنگ و علوم جدید بود و در این راه کوشش می‌کرد تا در قلمرو حکمرانی‌اش فرهنگ و بهداشت و هنر بسط یابد و از همین نظر در بیرجند مدرسه [ی] پسرانه و نیز در ۱۳۰۰ شمسی که ایرج میرزا و امین‌الشریعه و



علامه سیدمحمد فرزنان

معتمد السلطنه‌ی فرخ یکی دو سال در بیرجند بودند، اولین مدرسه‌ی دخترانه و نیز تأسیساتی برای تصفیه‌ی آب آشامیدنی احداث فرمود، تقاضای آنان را پذیرفت و از سید فرزنان خواست تا به زابل برود و به تأسیس مدرسه‌ی جدید بپردازد و برای نیل به مقصود، کمک‌های لازم مبذول داشت.

استاد فرزنان درخواست شوکت‌الملک علم را اجابت نمود و به همراهی سه نفر دیگر از فرهنگیان از بیرجند به زابل عزیمت کرد و با وجود مخالفت بعضی از عالمان و سرداران متعصب، نخست مدرسه‌ی جدیدی در زابل و سپس در زاهدان بنیان گذارد و در مدت کوتاهی اعتماد اهالی را به خود جلب نمود تا آن جا که در انتخابات



سال ۱۳۰۷ مردم زابل درصدد پزآمدن او را به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب کنند، لیکن جنجال سیاسی به نشر فرهنگ و بسط دانش بپردازد، از زابل به مشهد تبعید شد.

این نکته لازم به یادآوری است که پیش از آن که استاد فرزنان برای تشکیل معارف جدید و تأسیس مدارس به زابل برود، چند ماهی در دادگستری بیرجند به خدمت پرداخت.

در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی، استاد فرزنان از طرف وزارت معارف و اوقاف به ریاست اداره‌ی معارف بنادر جنوب منصوب و برای تأسیس مدارس جدید به آن صوب اعزام شد و تا سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در بوشهر و بندرعباس و جزایر خلیج فارس به تأسیس مدارس و بسط فرهنگ همت گماشت. در این مأموریت مبتلا به بیماری مالاریا شد و این بیماری تا حیات داشت او را گزند می‌رسانید. در سال ۱۳۱۴، استاد فرزنان از بوشهر به تهران آمد، ولی توقفش در پایتخت بیش از چند ماه نبود و آن‌گاه به ریاست فرهنگ شاهرود برگزیده شد و یک‌سال در آن‌جا خدمت کرد.

در سال ۱۳۱۵ شمسی، استاد فرزنان به بیرجند منتقل و به معاونت فرهنگ بیرجند و سیستان و بلوچستان برگزیده شد، ولی در سال ۱۳۱۷ به مشهد انتقال یافت و در دبیرستان‌های مشهد به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۰ به ریاست فرهنگ و اوقاف بیرجند برگزیده شد و تا سال ۱۳۳۱ که به تهران آمد، به خدمت در بیرجند ادامه داد و قریب سی و چند باب دبستان در نقاط مختلف قایمات با کمک اهالی تأسیس کرد و فرهنگ بیرجند و قایمات که به پایمردی امیر شوکت‌الملک از بسیاری شهرستان‌های دیگر جلوتر بود، در اثر اقدامات مجدانه سید در شمار پیشرفته‌ترین فرهنگ شهرستان‌های ایران قرار گرفت. در سال ۱۳۳۰ وزارت فرهنگ طی بخش‌نامه‌یی به عموم آموزگاران و دبیران اعلام داشت که نظرات خود را درباره‌ی کتب درسی به وزارت فرهنگ بنویسند. استاد فرزنان درباره‌ی معایب کتب درسی نظرات جامعی تنظیم فرمود و راه اصلاح آن را نیز پیشنهاد کرد. نظرات استاد فرزنان به شورای عالی فرهنگ ارجاع گردید و سیدحسین تقی‌زاده مأمور شد آن‌ها را مورد مذاقه و مطالعه قرار دهد و تقی‌زاده کلیه‌ی پیشنهادهای او را مفید و ضروری تشخیص داد.

مرحوم تقی‌زاده می‌گفت: همان‌طوری که کریستف کلمب کاشف امریکا است، من هم کاشف جهان علم و ادب سیدمحمد فرزنان هستم، ولی چنان که خواهد آمد، فرزنان سال‌ها پیش از آن که تقی‌زاده از اروپا به ایران بازگردد، در مجامع علمی و ادبی پایتخت شهرت و معروفیت داشت و غالب ارباب فضل و ادب واقف به مقام علمی و ادبی او بودند. در سال ۱۳۳۱، استاد فرزنان از بیرجند به تهران منتقل شد و به ترتیب در مؤسسه‌ی وعظ و خطابه و دانشکده‌های الهیات و ادبیات دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و عده‌ی کثیری از فضلا از خرمن دانش وی استفاده کردند. در همین سال در وزارت فرهنگ برای تصحیح و انتخاب کتب درسی کمیسیونی مرکب از علماهی فرزنان و استاد سیدمحمد محیط طباطبایی و استاد مجتبی مینوی

تشکیل و از آن‌ها خواسته شد از بین کتب درسی موجود کتاب‌هایی چند انتخاب کنند تا به‌طور موقت در مدارس تدریس شود تا بعداً با اسلوب صحیح و برپایه‌ی اصول تعلیم و تربیت کتبی دیگر تألیف و تدوین گردد. اعضای این کمیسیون که هر سه تن از دانشمندان بزرگ و باتجربه‌ی ایران بودند، به نحو مطلوب وظیفه‌ی خود را انجام دادند. سوابق این امر در وزارت آموزش و پرورش ضبط شده بود.

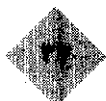
استاد فرزنان نقل می‌کرد: کتاب‌هایی که استادان و دبیران مختلف نوشته بودند، زیاد بود و غالباً چند نفر یک موضوع را تألیف نموده بودند و ما با دقت بسیار آن‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کردیم و روی هم‌رفته هیچ‌یک از آن‌ها برای تدریس از نظر اصول آموزش و پرورش بی‌نقص نبود و تصمیم بر آن شد که از کتب موجود احسن نسبی انتخاب شود و به‌طور موقت فقط یک‌سال در مدارس تدریس شود. یک روز موضوعی را که دو تن از استادان معروف نوشته بودند، با محیط طباطبایی به دقت می‌سنجیدیم و بعد از بحث و فحص، از استاد محیط پرسیدیم: کدام‌یک را انتخاب کنیم؟ محیط طباطبایی لحظه‌یی تأمل کرد و سپس گفت: دلم می‌خواست که تألیف فلانی مرجح می‌بود، اما چنین نیست، من هم تشخیص او را کاملاً قبول داشتم و از انصاف و عدالت محیط طباطبایی که تألیف رفیق نزدیک خود را که فاقد جهات مرجحه بود، کنار گذاشت، لذت بردم و احترام قلبی من به او افزون‌تر گردید، و باید بگویم مینوی هم با همین شیوه و دید انسانی در انتخاب کتب اقدام می‌فرمود و بهترین دوره‌ی زندگی فرهنگی من در تهران، همان همکاری با آقایان مینوی و محیط طباطبایی در این کمیسیون بوده است.

### نقاد ادبی کم‌نظیر

فرزنان بی‌تردید ناقد برجسته و کم‌نظیر عصر حاضر به‌شمار می‌رفت و با استعداد ذاتی و خدادادی و وسعت اطلاع و دانش به صرافتی و سره‌کردن سخن و متون فارسی و عربی می‌پرداخت و نظراتش صائب و حجت بود.

فرزنان با اقدام در نقد ادبی کتاب‌های کلیله و دمنه انشای نصرالله منشی - چاپ تهران به‌اهتمام شادروان استاد میرزا عبدالعظیم‌خان قریب - و مرزبان‌نامه به تصحیح علامه میرزا محمدخان قزوینی، و انتشار مقالات انتقادی درباره‌ی این دو کتاب در مجله‌های ارغمان و یغما و مهر، در مجامع ادبی و علمی پایتخت معروفیت و شاخصیت بسزایی پیدا کرد، هرچند خود او در بنادر جنوب به خدمات فرهنگی اشتغال داشت و دور از تهران به سر می‌برد.

سید فرزنان درباره‌ی چه‌گونگی مقالات مذکور فرمود: بوشهر مرکز خدمت فرهنگی من بود و معمولاً در تابستان‌ها برای مدت کوتاهی به شیراز جهت استراحت می‌رفتم، در یکی از سفرهای تابستانی خود کتاب کلیله و دمنه را با دقت مطالعه کردم و نظرات



# ادبیات تطبیقی در ایران

## شذرات منی النظم و النثر



دکتر اسماعیل تاج‌بخش  
عضو هیات علمی گروه ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی

□ شذرات منی النظم و النثر فی العصر الحدیث تألیف دکتر نادر نظام طهرانی و دکتر سعید واعظ، دو تن از همکاران فاضل و ارجمند حقیر است که اخیراً به‌وسیله‌ی دانشگاه علامه طباطبائی در سه‌هزار نسخه چاپ شده است. طرح جلد و صفحه‌آرایی و داشتن حروف چشم‌نواز و کاغذ مرغوب، از مختصات ظاهری کتاب است که مثل زیباروی دلربایی بیننده را به‌سوی خود جلب می‌کند. این کتاب صورت تکمیل‌شده‌ی کتاب *نصوص منی النثر و الشعر فی العصر الحدیث* است که قبلاً دو بار چاپ شده است و البته چاپ دوم کتاب نیز صورت آراسته و تکمیل‌شده‌ی چاپ اول بود. گویی استقبال دانشجویان و پایان‌گرفتن نسخه‌های کتاب و درک نیازها و ضرورت‌ها، مؤلفان محترم را به تکمیل و تقدیم چنین اثری به علاقه‌مندان زبان و ادب عربی و فارسی واداشته است و همان‌گونه که در مقدمه‌ی کوتاه کتاب اشاره فرموده‌اند: «دسته‌گلی گزین از شاهکارهای شعرا و نویسندگان و ادبای ادب عربی فراهم آوردند که گرایش‌های ذوقی آنان را در زمینه‌های گوناگون ادبی تصوی می‌کند.»

این کتاب یکی از بهترین متون برای آشناسدن و شکوفایی ذهن و ذوق دانشجویان ادب فارسی و عربی با ادبیات معاصر عرب است. ویژگی برجسته‌ی کتاب توضیح عبارات و اشعار به زبانی روشن و بلورین است که نقاب از چهره‌ی مطالب دشوار آن برداشته و ذهن خواننده را به کان کلام سخنور هدایت می‌کند. شرح حال مختصر پدیدآورنده‌ی اثر، زینت‌بخش مقدمه‌ی آن به‌شمار می‌آید. تنها کاستی کتاب به گمان حقیر، فقدان یک واژه‌نامه‌ی ابجدی عربی به فارسی در پایان آن است که کار خواننده را در مطالعه‌ی کتاب و فهم دقایق و ظرایف آن سرعت ببخشد.

مزیت برجسته‌ی دیگر کتاب، متن معرب و مشکول آن است که با دقتی وسوس‌آمیز صورت گرفته است. این‌گونه کتاب‌ها در ایران معمولاً از خطاهای شکل و اعراب مصون نیستند و این کتاب در این زمینه انگار اثری استثنایی‌ست که سهو القلم‌ها در آن بسیار اندک و به مصداق النادر کالمعدوم است و البته از دو دانشمندی که سال‌ها در ادب عربی زحمت کشیده‌اند، جز چنین انتظاری نمی‌رود و البته دکتر واعظ ذوحیاتین است و در ادب فارسی نیز دستی توانا دارد.

خود را یادداشت نمودم و به مجلات ادبی پایتخت برای چاپ فرستادم، انگیزه‌ی من در تنظیم و تحریر این مقالات، اصلاح اغلاط وارد در کتاب بود نه کسر شخصیت ادبی و علمی این و آن و عقیده داشتم و دارم که هرگاه متون فارسی ادبی قدیم را نسل حاضر بی‌غلط به نسل‌های آینده منتقل نکند، بعداً تصحیح اغلاط دشوار خواهد بود و شاید غلط‌ها همچنان بماند و آیندگان متوجه نشوند. فرزنان را به کتاب *کلیله و دمنه* عنایت خاص بود و آن را یک متن اصیل فارسی می‌دانست.

در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی که این کتاب به تصحیح استاد مجتبی مینوی انتشار یافت و این چاپ از دیگر چاپ‌های *کلیله و دمنه* ممتازتر و صحیح‌تر می‌باشد و سال‌ها کوشش و رنج فراوان برای تصحیح و تحشیه‌ی آن مبذول شده بود. استاد مینوی در تاریخ ۱۳۴۳/۸/۱۴ یک نسخه از این چاپ تحقیقی و انتقادی را به استاد فرزنان به این عبارت اهدا کرد: «تقدیم حضور حضرت علامه‌ی عزیز، جناب آقای سیدمحمد فرزنان مد ظله می‌شود.» و از او خواست تا نظرات خود را درباره‌ی آن مرقوم دارد.

فرزنان به شیوه‌ی خویش با دقت خاص خود کتاب را مطالعه فرمود و نظراتش را بر هامش صفحاتی چند از آن کتاب نوشت و به‌وسیله‌ی استاد یحیی مهدوی نسخه‌ی محشی‌شده را نزد زنده‌یاد مینوی فرستاد تا هرگاه نظراتش را مورد قبول قرار دهد در چاپ دوم به کار بندد. استاد مینوی برخی از نظرات فرزنان را وارد تشخیص داد، اما برخی دیگر را با توجه به معیار و ضابطه و سنجش خویش رد کرد و نظر خود را مرجح دانست.

علامه فرزنان فرمود: در چاپ دوم *کلیله و دمنه* برخی از نظرات مرا آقای مینوی پذیرفته و متن اصلاح شده و برخی دیگر را قبول نکرده است، من همچنان به صائب‌بودن نظرات خود باقی هستم و البته مینوی اهل سنجش و نظر و تتبع است و نظر خود را درست می‌داند. موارد اختلاف نظرات من با او غالباً نظری است، خاصه که نظر او متکی به متونی است که در دست دارد و در این کار مجتهد فن می‌باشد و به قول اهل اصول هر مجتهدی مصیب است در حکم و نظر.

فرزنان درباره‌ی این چاپ انتقادی و کوشش‌ها و تصحیحات و تعلیقات پُراج استاد مینوی چنین نوشته است: «یادداشت‌های پریشانی که با این قلم بر حشو و ذیل این نسخه‌ی نفیس نوشته شده است، ناظر به موارد معدودی‌ست که در آن اندک شائبه‌یی از ضعف تألیف و تعبیر احساس می‌شود و حیف بود بر آن بگذرم و آن را نادیده انگارم. و اما امتیازاتی که این عمل عالمانه در بر دارد و رنجی که در تسویه و تصفیه‌ی آن به‌کار رفته است، بیش از آن است که بنده‌ی ناتوان بتواند آن را احصاء کند و بنمایاند. انتظار دارم افاضل جوان و بنام ما از عهده‌ی این فریضه‌ی ادبی و علمی برآیند و حق نقد و تقریظ آن را ادا نمایند. والله المستعان و علیه التکلان. سید محمد فرزنان.» ■

